

سیدمحمد حسینی: دکتر ابومحمد عسگر خانی، استاد یار روابط بین‌الملل در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران را شاید بتوان کلاسیک‌ترین منتقد روند مذاکرات هسته‌ای در سال‌های اخیر معرفی کرد. این استاد دانشگاه که دکتری روابط بین‌الملل خود را از دانشگاه کویئینز کانادا دریافت کرده، از منظر ی تئوریک و دانشگاهی، منتقد شیوه مذاکرات ظریف یا O+۵ بوده و اکنون نیز برجام اروپایی را عملاً ناشدنی توصیف می‌کند. دکتر عسگر خانی در گفت‌وگو با «وطن امروز» به آسیب‌شناسی برجام و ریشه‌ها درازمدت این توافق پرداخته و تاکید می‌کند به خاطر اشتباهات متعدد وزارت امور خارجه، این نهاد دیگر شایستگی اداره پرونده هسته‌های را ندارد. به گفته عسگر خانی، برجام اروپایی، یک تقسیم‌کار کارشناسانه میان آمریکا و اروپاست که برجام را به زندان ایران تبدیل کرده‌است.

■ بعد از خروج آمریکا از برجام، یک بحثی درباره بایسته‌های سیاست خارجی ما مطرح است و آن اینکه ادبیات ما در این حوزه لازم است به نسبت شرایط، کمی تغییر کند و با واقعیت‌های روز هم‌تناسب شود؛ موضوعی که تحت مقوله اقتدار گرایی مطرح می‌شود.
اگر ممکن است درباره همین مولفه‌ها و پارامترهای اقتدار گرایی در سیاست خارجی با توجه به شرایطی که در آن قرار داریم صحبت بفرمایید.

در تحلیل سیاست خارجی ما معمولاً به ۳ عنصر اشاره می‌کنیم؛ یکی ساختار سیاست خارجی، دوم دستور کارها و سوم فرآیندهای آن. وقتی ما در این ۳ مولفه دقت می‌کنیم، می‌بینیم ضعف بسیار بزرگی در سیاست خارجی ما وجود دارد. البته متولیان این موضوع معمولاً در چنین شرایطی اساتید دانشگاهی را متهم می‌کنند که بیرون‌گود نشسته‌اند و خیلی در جریان کار و وسط میدان حضور ندارند که بدانند چه مشکلاتی در مسیر کار قرار دارد ولی واقعیت این است که برخی از ما اساتید هم به اندازه کافی تجربه داریم و این موضوعات را از نزدیک لمس کرده‌ایم بنابراین وقتی حتی تئوری‌ها را کنار گذاشته و به عملکردها نگاه می‌کنیم، می‌بینیم عملکردها به طریقی نبوده که اگر تدبیری علیه کشور ما از خارج می‌اندیشند، ما در مقابل آن یک تدبیر متقابل داشته باشیم و بتوانیم یا آن تدابیر را کلافی و عقیمش کنیم یا آنکه مسیر آن را عوض کنیم. ما می‌بینیم چنین تدبیری وجود ندارد. حالا خیلی نمی‌خواهیم به مقوله ساختار در سیاست خارجی بپردازیم. البته این ساختار از زمان قاجار بوده و مشکلات خاص خودش را دارد اما وقتی «دستور کارها» را نگاه می‌کنیم کاملاً سیاست خارجی ایران در این حوزه منفعل بوده و نتوانسته با تدابیر خصمانه‌ای که علیه ملت ایران اتخاذ می‌شده، بتواند حداقل موازنه‌ای را برقرار کند. حتی من نمی‌گویم آن توطئه‌ها را نفی کنده، می‌گویم موازنه. این را در تک تک موضوعات و دستور کارها بخوبی می‌بینیم که یکی از آنها همین بحث برجام است. مشکلات دیگری که در این چارچوب پیش از این داشتیم که مطرح کردیم و دیگران هم مطرح کرده بودند ولی ماهیت موضوع برای سیاست خارجی ما روشن نبوده‌است. بدیهی است که هر کدام از این موضوعات نظیر برجام خودش به عنوان یک رژیم (نمی‌خواهم بگویم قرارداد یا کنواسیون) دارای نکات مهمی است که در وهله اول اصول در رابطه با اهداف است. دوم هنجار آن در رابطه با رفتارهاست، سوم قواعد آن است که نشان می‌دهد این رفتار باید چگونه باشد تا به آن اهداف برسیم، چهارم نحوه تصمیم‌گیری است و پنجم نحوه تفسیر اینهاست که اگر زمانی مشکلی به وجود آمد، تفسیر آن به چه شکلی باشد. ششم هم حوزه، دامنه و مدت زمان اعمال موضوعات است که باید دنبال شود. وقتی ما اینها را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم مسائلی مثل برجام تاکنون بسیار زیاد بوده و چون این موضوع خاص در حوزه امنیت تعریف می‌شده در سطح بین‌المللی مورد تاکید ویژه قرار گرفته‌است. از این نگاه دیپلماسی ما نتوانسته این بده بستان‌ها را در چارچوب علمی خودش دنبال کند. یعنی بیاید بگوید که هدفش چه بوده، رفتارها و قواعد چه هست و دست‌اوردها چگونه بوده‌است. بنده تکتک اینگونه پروژه‌ها را

می‌توانم برای شما مثال بزنم. برای فیم بهتر دستور کارهای غرب علیه ایران، شما یک مثلی را در نظر بگیرید. این مثلث ۳ زاویه دارد؛ یک زاویه فرهنگ، یک زاویه اقتصاد و یک زاویه امنیت است. اتفاقاً این مثلث، مثلث قائم‌الزاویه و ضلع اصلی آن، امنیت است. ۲ زاویه و ضلع دیگر اقتصاد و فرهنگ است. اگر به این دقت کنید، می‌بینید که دستور کارهایی که درباره کشور ما وجود دارد اگر یکی یکی داخل این مثلث بیابورید، هر کدام از آن دستور کارها در قالب یکی از این ۳ ضلع تعریف خواهد شد. به عنوان مثال ISA یا قانون تحریم‌های ایران در

زاویه اقتصاد قرار می‌گیرد. FATF هم در زاویه اقتصاد قرار می‌گیرد. برجام در حوزه امنیت که ضلع اصلی آن مثلث است قرار گرفته و کاتسا هم همین‌طور. NPT هم در بحث امنیت و ۲۰۳۰ و قانون مقابله با رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی در حوزه فرهنگ قرار می‌گیرد. تمام این دستور کارها که شما در آن مثلث کنید به نظر من دیپلماسی ما نتوانسته اهداف تک تک اینها را بررسی کند و هنجارهای مرتبط با اینها را بفهمد و قواعد اینها و دامنه شمولی اینها را بررسی کند. علاوه بر آن بیاید و ارتباط بین اینها را بررسی کند. ببینید که چطور مثل شبکه‌ای از تار عنکبوت اینها به یکدیگر متصلند. برای شما یکی مثالی می‌زنم: در بحث ISA می‌گویند که رئیس‌جمهور آمریکا نمی‌تواند این تحریم‌ها را لغو کند مگر اینکه ایران، موارد مورد ادعای آنها را رعایت کند: ۱- دست از حمایت از تروریسم بردارد، ۲- در بحث حقوق بشر عقب‌نشینی کند و ۳- به سمت تولید سلاح‌های کشتار جمعی نرود. سلاح‌های کشتار جمعی نه‌تنها بحث هسته‌ای را شامل می‌شود، بلکه سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را هم شامل می‌شود. در بحث FATF هم ذیل سازمان‌هایی که درگیر پولشویی هستند از سپاه پاسداران نام می‌برند! همچنین در بحث تروریسم باز پای سپاه را وسط می‌کشند. به همین طریق سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم و پولشویی را با هم مرتبط کرده و FATF را به ISA وصل می‌کنند. حداقل در تروریسم اینطور است. در برجام هم ابتدا بحث سلاح‌های هسته‌ای و در فازه‌های بعدی که الان در طرح مطرح می‌شود، شما ۱۲ شرط وزیر خارجه آمریکا را می‌بینید که بحث خلع سلاح متعارف، خلع سلاح نامتعارف، خلع سلاح سایبری و… را مطرح می‌کند. پس شما می‌بینید که همه این دستور کارها

آسیب‌شناسی برجام و ریشه‌های توافق هسته‌ای در گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر ابومحمد عسگر خانی

نوبت اقتدارگرایی است



به همدیگر متصل و پیوسته هستند. در کاتسا هم می‌بینید که نوک پیکان آن سپاه پاسداران را نشانه گرفته؛ سپاه را مصداق تروریسم تلقی می‌کنند و منابع مالی آن را هم پولشویی می‌دانند. در نتیجه پولشویی مرتبط می‌شود به کاتسا و کاتسا هم مرتبط می‌شود به برجام. همین‌طور برجام مرتبط می‌شود به FATF. FATF هم به ISA وصل می‌شود. در نتیجه شما می‌بینید که اینها مثل یک شبکه تار عنکبوتی به یکدیگر متصلند. در کنار این موضوعات، شما دستور کارهای فرهنگی را می‌بینید که به صورت آموزشی و فرآیندی علاوه بر ۲۰۳۰، روز و شب در قالب نگاه‌های خبرپراکنی و فیلم و سریال دنبال می‌شود. در مقابل همه این تدابیر، دستگاه دیپلماسی ما باید قادر باشد با این تهدیدهایی که در این سطح است مقابله کند اما بنده نه‌تنها اقدامی در این راستا ندیدم، بلکه چنین به نظر می‌رسد که اعتقادی هم به این کار نبوده‌است، چنانکه تاکنون شاهد بوده‌ایم، اصل مشکل همین‌جاست که شما در این دستگاه، خودباوری اینکه می‌توان چنین کارهایی را انجام داد نمی‌بینید. بارها در سخنان برخی دیپلمات‌ها دیدیم که پس از ماموریت‌هایی که در نیویورک داشتند، آمدند و در داخل مقامات را ترسانند که آمریکا در صدد حمله هسته‌ای به ایران است! این نقطه ضعف ما باید مد نظر باشد. اما در سخنرانی خود در دانشگاه می‌گویند آمریکا آنچنان قوی‌است که می‌تواند با یک بمب ما را نابود کند. ما در مقابل این رویه می‌گوییم که منطق واقع‌گرایی در دنیا امروز این است که «قدرت را افزایش بده تا نتجنگی». اگر نمی‌توانی قدرت خود را افزایش دهی، محکوم به جنگی، بنابراین کسی که اعتقاد ندارد به اینکه ما می‌توانیم قوی باشیم و مقاومت کنیم، این یک نقطه ضعف برای او محسوب می‌شود. اتفاقاً علمی‌ها می‌گویند دیپلماسی، نقطه

عکس این رویه آقایان است. ما ضمن اینکه امضای برجام و نافذ شدن برجام را امر مضرى برای جمهوری اسلامی می‌دانستیم اما در همین اواخر و وقتی قرار شد این کار انجام شود، من پیشنهاد دادم حداقل کاری که شما می‌توانید بکنید این است که بیایید با قضیه علمی برخورد کنید نه جناحی. مساله تحریم را فقط با سیاست نمی‌شود حل کرد؛ بخشی از آن فنی است، بخشی حقوقی و بخشی اقتصادی. بخشی مربوط به کشتیرانی و بخشی مربوط به بانک‌ها و سوئیفت است. می‌خواهم بگویم در این قضیه چون پای واردات و صادرات ما در میان است و همین‌طور روابط امنیتی و فرهنگی و اقتصادی، لازم بود بخش‌های مختلف درگیر این قضیه بشوند. علاوه بر آن باید در سطح بین‌المللی سوالات مختلف و مرتبط با این حوزه به کارشناسان مربوط داده و پاسخ‌های شفاف گرفته می‌شود ولی متأسفانه برجام در پرده‌ای از ابهام و بدون شورت با متخصصان پذیرفته شد. در پرونده‌های این‌چنینی همیشه ۲ عنصر متضاد وجود دارد؛ یکی اصل شفافیت و یکی اصل محرمانه بودن. در برجام محرمانه بودن غالب و شفافیت مغلوب شد.

■ حتی نماینده‌ها مکرر گفتند که از جزئیات برجام مطلع نشدند!
نماینده‌های مجلس که باید به لحاظ قانونی مطلع می‌شدند اما متخصصان کاربلد هم اطلاع پیدا نکردند.

■ آقای دکتر! من از صحبت‌های شما به این نتیجه رسیدیم که دستورالعملی که در مذاکرات پیاده‌شده و تمام‌رژیم توافقنامه‌هایی که در چارچوب‌های مشخص فرمودید، مبتنی بر اقتدار نبود.
بنابر فرمایش **حضر تعالی مبنی بر اینکه معتقد بود**ند نیازی به قدرتمند شدن ما نیست تا وارد جنگ نشویم. یا اینکه **گفتند آمریکا با یک کلید می‌تواند ما را نابود کند و همچنین نتایجی که الان از برجام شاهدیم و نظر به اصل محرمانگی این قرارداد، اکنون شاهدیم این رویه، ناکار آمد و نسبت به مقوله اقتدار بی‌تفاوت بوده.**
با همه اینها **حضر تعالی معتقدید اینها اعتقاد و التفات به این نکات نداشتند؟ و ضمناً اینکه چرا چنین شرایطی به وجود آمد؟**

برای ریشه‌یابی این موضوع باید گذشته‌ها را بازخوانی کرد. این مساله که سرانجامش برجام شد، نتیجه یک فرآیندی بوده که از گذشته آغاز شد. این فرآیند را باید در بستر تاریخ فهمید. در اصطلاح هم به آن «رویه هسته‌ای» می‌گویند. این رویه ۲

گفت‌وگو

آسیب‌شناسی برجام و ریشه‌های توافق هسته‌ای در گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر ابومحمد عسگر خانی

بخش دارد؛ یک بخش آن بین‌المللی است اما بخش دیگر آن کاملاً داخلی است. بخش بین‌المللی آن عبارت است از تلاش‌های اولیه برای فرمول‌بندی و تبیین مفاهیم و ایجاد مفاهیم، اما از سال ۱۹۹۵ این رویه، ایرانی و داخلی شده و جمهوری اسلامی دخیل در این موضوع می‌شود. من نمی‌خواهم در این باره از کسی اسم برم ولی شما بررسی کنید که در این سال چه کسانی بودند که رفتند و از آن‌بی‌تی را نامحدود پذیرفتند؟ حال آنکه من اواسط ۱۹۸۰ صریحاً خواستم که از آن‌بی‌تی خارج شویم. زمانی که آمریکا سکوهای نفتی ما را می‌زد من این درخواست را کردم ولی کسی توجهی نکرد. یا در سال ۱۹۸۹ وقتی به کانادا رفتم و با اساتیدی که این پیمان‌ها را می‌نویسند آشنا شدم، دیدم اینها می‌گفتند که در سال ۱۹۹۵ یعنی چند سال آینده تصمیم داریم آن‌بی‌تی را نامحدود وضع کنیم. در نتیجه بذر برجام در سال ۱۹۹۵ با امضای تمدید نامحدود آن‌بی‌تی توسط دیپلمات‌های ایرانی کاشته می‌شود. سال ۱۹۹۶ «CTBT» امضا می‌شود که آن دیگر خطرناک‌ترین معاهده‌های هستست که تاکنون امضا شده، همان افرادی که آن‌بی‌تی را نامحدود پذیرفتند CTBT را امضا می‌کنند. ۳ ماه بعد از آن آمریکا تحریم‌های داماتو را اعمال می‌کند. به یک معنا با این کارشان به تیم ایرانی گفتند دست شما درد نکند! و بعد در موارد متعدد من مخالفت خود را با CTBT اعلام کردم و خواستار خروج ایران از آن‌بی‌تی شدم. اتفاقاً همان زمانی که هند و پاکستان آزمایش‌های هسته‌ای اجرا کردند، طی صحبت‌هایی در تلویزیون ایران در برنامه جهان سیاست و همچنین در سخنرانی‌های خود در مجلس و وزارت امور خارجه صریحاً گفتم: «چو تو خود کنی اختر خویش را بد، مدار از فلک چشم نیک اخترى را / بسوزند چوب درختان بی‌بر، سزا خود همین است مر بی‌برى را!» که این سخنرانی‌ام در سال ۱۳۷۶ در مجله سیاست دفاعی منتشر شد. در آنجا نوشتم ملتی که دواطلبانه خود را خلع سلاح می‌کند، آینده خود را در روابط بین‌الملل در معرض شرایط نامعلومی قرار می‌دهد. ریشه برجام در اینگونه مناسبات است و پدیده‌ای نیست که هم اکنون درست شده باشد. ما در این مسیر شاهدان آن بوده‌ایم که چه نمایش‌هایی در صحنه داخلی و صحنه بین‌المللی اجرا شد برای اعمال CTBT. ما از همان زمان این مسائل را مطرح کردیم، حتی بنده یادم می‌آید که در زمان آقای خاتمی که آقای خزایی وزیر امور خارجه و آقای سخنجانی وزیر دفاع شده بود، در دفتر مطالعات صحبت کردم و گفتم شما وارث یک بدعتی شدید. اینهمه اگر روزی آمدند و محرمانه‌ترین مکان‌های کشور نظیر کاخ ریاست جمهوری را گشتند نگویید که کسی این حرف‌ها را به ما نزد تازه آن موقع هنوز صدام سر کار بود و ۱۱ سپتامبری هم پیش نیامده بود. من در آن برهه فقط و فقط بر اساس ایجاد ۲ رژیم درباره آن‌بی‌تی و CTBT این حرف‌ها را زدم: رژیم نظارت، رژیم بازرسی و رژیم مصونیت. گفتم قطعاً این بازرسی‌ها انجام خواهد گرفت. گفتم که آنها از محرمانه‌ترین پایگاه‌های اطلاعاتی را خارج خواهند کرد. طبیعی است که وقتی شما در CTBT قبول می‌کنید رژیم نظام لرزه‌نگاری را ببذیرید، وقتی که چنین ابزارهایی را می‌پذیرید، این اطلاعات انتقال پیدا می‌کند. وقتی که قبول می‌کنید این بازرسی‌ها انجام بگیرد، آنها هم قدم به قدم مذاکرات را بر اساس این پیش خواهند برد. واقعیت این است که اصلاً برای من این مهم نبود که اورانیوم چند درصد غنی می‌شود، بلکه برای من، محرمانه نگه داشتن مسائل امنیتی در اولویت بود. شما ببینید، هرگز نشد که در دوران جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا کوچک‌ترین اطلاعاتی راجع به پایگاه‌ها و دستگاه‌های نظامی‌اش به شوروی بدهد. حتی اطلاعات مربوط به قطعات فزاتوم را هم نداد، شوروی هم همین‌طور؛ در عین حالی که با هم معاملات اقتصادی داشتند. برای اینکه امنیت و اطلاعات نظامی ضلع اصلی است.

■ آقای دکتر! خیلی کامل و مشخص توضیح دادید، هر چند برخی از زوایایی که مطرح کردید خیلی جای بحث و پرداخت دارد، بویژه بحث امنیت که در این مذاکرات عملاً نادیده گرفته شد.
الان این سوال مطرح است که با توجه به خروج آمریکا از برجام، وضعیت طرفین این معاهده به یک حالت نامتعادلی رسیده و هر آنچه که شما سایر منتقدان این حوزه می‌گفتید الان دیگر در پیشگاه قضاوت عمومی برای مردم ثابت شده‌است؛ الان چه و در نهایت شد آنچه که نباید می‌شد… در حال حاضر شما

البته خود این موضوع جای تأمل دارد که واقعاً الان آمریکا خارج شده یا نه! الان یک پای آمریکا داخل برجام است و پای دیگرش بیرون. یک پای داخل برجام، پای خود آمریکا نیست، بلکه پای اروپایی‌هاست. یعنی طرف مقابل ما، اروپایی‌ها را گذاشته در این ماجرا تا ایران را زندانی اروپا نگه دارد. به این صورت که تمام محدودیت‌های برجام از قبیل رژیم بازرسی و رژیم نظارت پابرجا بوده و از آن طرف هم تحریم‌ها باقی بماند، بنابراین آمریکا یک زندانی را درست کرده و اروپایی‌ها زندانبان ما شده‌اند. از آن طرف ترامپ فازه‌های بعدی برجام را پیش می‌برد.

■ یک تقسیم‌کار حرفه‌ای!

دقیقاً! یک تقسیم‌کار کارشناسانه برای رسیدن به کمال درجه سلاح خلع سلاح هسته‌ای توسط اوامانجام گرفت اما خلع سلاح متعارف و نامتقارن که شامل موشکی و سایبری هم هست توسط ترامپ و با حفظ فازه‌های قبلی انجام می‌شود، بنابراین من معتقدم مسؤولان محترم تحت عنوان مصلحت نظام این مسائل را نادیده نگیرند. ما هر کجا که صحبت کردیم در مقابل آن بحث مصلحت نظام را مطرح کردند. مصلحت نظام چیست؟ این باید دقیق تفسیر شود. این مطالباتی که در ۱۲ خواسته وزیر خارجه آمریکا اخیراً مطرح شده، خلاصه‌اش می‌شود قطع بازوهای ایران در سوریه، یمن، عراق، لبنان و فلسطین و قلع و قمع سپاه که تحت عنوان FATF و مبارزه با تأمین مالی تروریسم یا مبارزه با پولشویی انجام می‌شود. جالب است که بحث انتقال موشک‌های سپاه با کشتنی را مطرح کرده‌اند. سوال این است که مگر سایر کشورها با شتر اسلحه می‌فروشند و جابه‌جایی می‌کنند؟! بزرگ‌ترین تجارت اسلحه که مشخص است از آن کدام کشور است، تولیدکنندگان اسلحه که آمریکا، روسیه،

چین، اسرائیل و اینها هستند. واردکننده اسلحه هم مشخص است؛ در درجه اول کشورهای عربی خاورمیانه. اتفاقاً دلان اسلحه هم مشخص‌اند؛ دل‌ال‌های اروپایی که حرفه‌ای این کار هستند. اینها اسلحه را با شتر حمل می‌کنند؟! این انتظار هست که این رویه به سرعت تغییر کند، چرا که بحث حیات نه‌تنها جمهوری اسلامی، بلکه حیات ملت ایران و بقای قلمرو خاکی ایران مطرح است. الان دیگر به وضوح مشخص است که دشمنان، ما را در یک خیابان یک‌طرفه که آنها برای هم پرنگاه هستت قرار داده‌اند. اگر می‌خواهند تحت عنوان مصلحت نظام، گذرگاهی را بزنند و اینکه به‌خاطر مصلحت نظام مجبور بودیم این کار را بکنیم، این گذرگاه، گذرگاه تاریک و خونینی خواهد بود.

■ آقای دکتر! اجازه بدهید رک باشیم؛ آیا با این دستورالعمل‌ها و این افراد در سیاست خارجی، تغییر مسیر ممکن است؟

نکته اساسی این است که درگذشتی در این حوزه شکل بگیرد. الان دیگر مشخص شده‌است که دیپلماسی فعلی نه‌تنها منفعل بوده، بلکه راه‌اشباهی را هم رفته و ساختار را هم نفهمیده‌است. این تیم دستور کارها را هم که در ابتدای مصاحبه به آن وقتی به گذشته اینها نگاه می‌کنم، می‌بینم در خوشبینانه‌ترین حالت، جهالت و بی‌خبری صرف بوده‌است. بنده برای اثبات همین موضوع یک سندی را خدمت شما عرض می‌کنم. زمانی که من در دانشکده وزارت امور خارجه درس می‌دادم، دیپلمات‌های وزارت امور خارجه برای ارتقای مقام می‌آمدند آنجا از جمله در یک دوره تمام نیروهای اداره خلع سلاح به صورت یک کلاس آمدند با من درس گرفتند. همان اوایی که من بحث آن‌بی‌تی و CTBT را شروع کردم، واقعاً دیپلمات‌های اداره خلع سلاح، حساسیت نشان دادند. بعد از اینکه یکی، دو ماه گذشت و من درس را کامل تشریح کردم، آن دیپلمات‌ها کاملاً عوض شدند. رئیس وقت اداره خلع سلاح یک روزی به من زنگ و گفت که حرمت استاد و شاگردی یک روز بیایید دفتر ما با هم صحبت کنیم. من رفتم و او در آن جلسه گفت که واقعیت امر این است که زمانی که ما رفتم و این را امضا کردیم، نه من و نه سایر دیپلمات‌هایم دانستیم چه چیزی را امضا کردیم.

■ و در نهایت شد آنچه که نباید می‌شد… در حال حاضر شما

معتقدید در تیم دیپلماسی ما باید تجدیدنظر شود؟

به نظر من در وهله اول باید یک کار کارشناسی جدی شود و در مرحله بعد کسانی روی کار بیایند که به اقتدار ایران اعتقاد دارند. چنانکه معروف است که می‌گویند خواستن توانستن است، هر جا که اراده باشد راهی برای مشکلات پیدا می‌شود.

■ با رویکرد فعلی می‌شود؟

تجربه سال‌های گذشته نشان داده این امکان‌پذیر نیست. برای اینکه تیم فعلی ناظر بر رویه‌ها نبووند و رویه‌ها برای‌شان ملکه نشده بود. لازم است که ما همه گزارشات آژانس را دوباره تفسیر کنیم. نه‌تنها گزارشات مربوط به خودمان که حتی گزارشات آژانس علیه عراق را هم باید دوباره تفسیر کنیم. وقتی بحث کنترل تسلیحات علیه ایران و لیبی و کره‌شمالی و عراق شروع شد، دقیقاً فرمول را جایگزین کردند به این صورت که جایی که می‌گفتند غرامت کامل، به جای غرامت، از کلمه همکاری کامل استفاده کردند؛ همکاری کامل هم یعنی بازرسی کامل، یعنی نظارت کامل، یعنی مصونیت کامل، در نتیجه داملاً در گزارشاتی که درباره عراق بود، می‌گفتند عراق همکاری می‌کند اما همکاری‌اش کامل نیست. زمانی همکاری عراق کامل شد که صدام سقوط کرد! و اتفاقاً درست همان جملات را دوباره علیه ایران به کار می‌برند. به صراحت در گزارشات گنجانده‌اند که همکاری ایران باید کامل باشد. حتی در برجام واژه «جامع» را گذاشتند. بنابراین چطور می‌شود این واژه‌ها را نادیده گرفت و معاهده‌ای را امضا کرد که فقط به یک زبان باشد؟ در همه جای دنیا هر معاهده و قراردادی را به ۲ زبان می‌نویسند تا اگر اختلافی پیش آمد بتوان حل کرد. با این نگارشی که در برجام است اگر روزی خواهیم تفسیر کنیم، هیچ راهی نداریم مگر اینکه به صورت خیلی ایده‌الستی بگویم اصل تفسیر به زبان نویسنده است. هیچ کسی هم قبول نمی‌کند. تفسیر آنها این است که ما این معاهده را گذاشتیم برای اینکه منافع امنیتی دنیا حفظ شود. یعنی اتهاماتی که علیه جمهوری اسلامی مطرح است حاصل فرآیندی است که آقایان طی کردند. این را هم باید در نظر داشت که کشورهایی که به ظاهر در کنار ما هستند واقعا تا کجا با ما هستند!

■ تغییر این وضعیت خیلی ضروری به نظر می‌رسد. درباره برجام ظاهراً تنها ۲ راه پیش روی ماست: یا از این معاهده خارج شویم یا اینکه با روروا ادامه دهیم؛ نظر شما در این باره چیست؟

همانطور که گفتم باید در مرحله اول کارشناسی دقیق انجام شود و سپس پرونده هسته‌ای از دستگاه وزارت امور خارجه گرفته شود.

■ به کجا برود؟

همانطور که مثلث قائم‌الزاویه و ۳ ضلع آن را توضیح دادم، بنده امنیت از ضلع اصلی می‌دانم و به همین خاطر معتقدم پرونده باید به گونه‌ای مدیریت شود که نیروهای امنیتی نقش اساسی را در آن ایفا کنند. بنده بارها و بارها به سپاه پاسداران گفتم‌ام که شما باید «بروکراسی هسته‌ای» ایجاد کنید. آنچه باعث شد به‌رغم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روس‌ها کاملاً از داخل متلاشی نشوند، چه بود؟ آنها در آن برهه اقتصاد که نداشتند، حتی معروف است که بسیاری از زن‌های روس از سر ناچاری به کشورهای دیگر برای تفریوش می‌رفتند چون اقتصاد روسیه عملاً فلج بود. در نتیجه این قدرت سخت بود که روس‌ها را نجات داد. آن هم ثمره بروکراسی هسته‌ای بود. به نظر من نیروهای امنیتی ترکیبی از وزارت اطلاعات، سپاه، نیروهای نظامی و ارتش؛ اینها باید در محوریت پرونده قرار بگیرند و بعد از اینها شورای عالی امنیت ملی. دیپلماسی زمانی می‌تواند کار کند که شما با دست‌های پر پشت میز مذاکره بنشینید. در کجای دنیا برد- برد هست؟

■ صحبت‌های اخیرى که درباره امنیت فروش نفت منطقه توسط رئیس‌جمهور مطرح شده را می‌توان در راستای تغییر رویکرد‌ها در دیپلماسی تلقی کرد؟

سردار سلیمانی از مواضع رئیس‌جمهور خیلی تمجید کرد. من معتقدم رهیافت‌ها و دیدگاه‌های

امنیتی توسط دیپلمات‌ها محقق نمی‌شود و امکان‌پذیر نیست. حتی اگر دستگاه دیپلماسی مایل به این رویکرد هم باشد، قادر نخواهد بود. برای اثرگذاری این راهبرد، طرف دعوا هم باید مایل باشد و هم قادر و اگر یکی نباشد کار کند که شما جلو نخواهد رفت. یک تاجر نمی‌تواند تصمیمی در حوزه هوافضا بگیرد. یک دیپلمات نمی‌تواند تصمیم یک نیروی امنیتی و نظامی را بگیرد. اصرار برای اینکه افراد در جایگاه‌های خود و تخصص خود قرار بگیرند برای همین است.

■ یک سوالی هم در درباره برجام اروپایی داشتیم؛ پس از خروج آمریکا از برجام و شکست این نوع مدل مذاکرات، دولت، برجام اروپایی را در دستور کار قرار داد و برخی رسانه‌ها هم در تلاش‌اند تا توجه به برخی اقدامات اتحادیه اروپایی در گذشته نظیر تصویب قوانین بازدارنده مقابل تحریم‌های داماتو یا حمایت از اتحادیه از کوبا مقابل تحریم‌های آمریکا، این تصویر را برای مردم بسازند؛ واقعاً اروپا می‌تواند کنار ایران و مقابل آمریکا بایستد؛ تحلیل‌حضر تعالی از این موضوع چیست؟

خیلی سوال مهمی است و واجب بود به آن بپردازیم. به چند دلیل این موضوع نمی‌تواند انجام شود و در واقع چیزی جز سرراب نیست و خودفریبی است؛ علت اول این است که تحریم‌ها بازبزرگان غیردولتی را شامل می‌شود. بازبزرگان و شرکت‌های چندملیتی که دولت‌های اروپایی کنترل‌ری روی آنها ندارند. دوم اینکه در اروپا با توجه به اوضاع و احوالی که در خود اروپا هست هنوز سیاست‌شان نتوانسته یک کاسه شود. در این موضوع خاص هم سیاست واحدی از طرف کشورهای اروپایی دیده‌شود. حتی دولت‌های اروپایی نتوانستند یک قانون اساسی را بر اساس آرای مردم اخذ کنند و در نهایت هم تصویب آن را از پارلمان‌های‌شان گرفتند. بارها این جمله را گفتم که اتحادیه اروپایی سوپ نپخته‌است و هرگز هم جانمی‌افتد. دلیل سوم این است که این مساله از آنجایی که امنیتی‌است مستقیماً به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مربوط می‌شود و سازمان ناتو به هیچ وجه حاضر نیست آن رهیافت‌های دولت‌های اروپایی را که فقط تبلیغات است بپذیرد. فرصتی نیست که فریبی از آن خود ناتو چه مشکلاتی وجود دارد. دشمن دوست شما، دشمن شماست. اسرائیل دوست اروپایی‌هاست.